

دیپلماسی بر دیپلماسی نهضتی

شعیب بهمن*
علی کاظم خانلو**

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره 3، پیاپی 63، پاییز 1394؛ صفحات 100 - 69

چکیده

طی سال‌های گذشته مفاهیم مرتبط با دیپلماسی وسعت بیشتری یافته‌اند. در این بین گرچه درباره دو مفهوم «دیپلماسی» و «نهضت» مباحث گوناگونی مطرح شده است، اما اگر این دو مفهوم کنار هم قرار گیرند، مفهوم گسترده‌تری به نام «دیپلماسی نهضتی» شکل می‌گیرد که تاکنون مبانی و ویژگی‌های آن بحث و بررسی نشده است. با توجه به اهمیت و جایگاهی که نهضت‌های آزادی‌بخش به ویژه نهضت‌های اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارند و همچنین با تأکید بر این نکته که ایران به کانون و مرکز نهضت‌های اسلامی در جهان اسلام تبدیل شده است، بررسی ابعاد و زوایای مختلف دیپلماسی نهضتی حایز اهمیت فراوانی است. بر این اساس پژوهش حاضر در نظر دارد علاوه بر بررسی دو مفهوم دیپلماسی و نهضت، بین آنها پیوند برقرار کند و ضمن توضیح و تبیین دیپلماسی نهضتی، شاخصه‌ها و ویژگی‌های آن را به بحث بگذارد.

واژگان کلیدی

دیپلماسی، نهضت، دیپلماسی نهضتی، نظام سلطه، ظلم‌ستیزی و نفی سبیل

* دکتری علوم سیاسی، پژوهشگر مسائل بین‌الملل Shuaibb Rahman@gmail.com

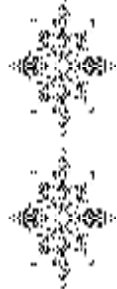
** کارشناس ارشد علوم سیاسی akazemkhanloo@gmail.com

مقدمه

طی سال‌های گذشته مفاهیم مرتبط با دیپلماسی وسعت بیشتری نسبت به گذشته یافته‌اند؛ به نحوی که مفاهیم جدیدی همچون دیپلماسی عمومی، دیپلماسی دفاعی، دیپلماسی نظامی، دیپلماسی شهری، دیپلماسی پارلمانی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی علمی، دیپلماسی نفتی، دیپلماسی دیجیتالی و... رواج پیدا کرده‌اند. در این بین اگرچه درباره دو مفهوم «دیپلماسی» و «نهضت» مباحث گوناگونی مطرح شده است، اما اگر این دو مفهوم کنار هم قرار گیرند، مفهوم گسترده‌تری به نام «دیپلماسی نهضتی» شکل می‌گیرد که تاکنون مبانی و ویژگی‌های آن بحث و بررسی نشده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در تمام سال‌های پس از پیروزی انقلاب، داعیه‌دار اشاعه و ترویج افکار، عقاید و ایدئولوژی نهضت اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) بوده است.

با توجه به اهمیت و جایگاهی که نهضت‌های آزادی‌بخش به ویژه نهضت‌های اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارند و همچنین با تأکید بر این نکته که ایران به کانون و مرکز نهضت‌های اسلامی در جهان اسلام تبدیل شده است، بررسی ابعاد و زوایای مختلف دیپلماسی نهضتی حایز اهمیت فراوانی است. بر این اساس مقاله حاضر در صدد است علاوه بر بررسی دو مفهوم دیپلماسی و نهضت، میان آنها پیوند برقرار کند و ضمن توضیح و تبیین دیپلماسی نهضتی، شاخصه‌ها و ویژگی‌های آن را نیز به بحث بگذارد.

با توجه به اهداف مقاله، مباحث به دو بخش کلی تقسیم شده‌اند. بخش نخست به مفهوم و چارچوب دیپلماسی نهضتی اختصاص یافته است. در این بخش ابتدا مفهوم دیپلماسی و نهضت و سپس ماهیت دیپلماسی نهضتی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در ادامه نیز به ریشه‌ها، بنیان‌ها و اهداف دیپلماسی نهضتی و همچنین تفاوت‌های دیپلماسی نهضتی با دیپلماسی رسمی پرداخته



می‌شود. بخش دوم مقاله به ارتباط جمهوری اسلامی ایران و دیپلماسی نهضتی اختصاص یافته است. در این بخش ابتدا به روند شکل‌گیری دیپلماسی نهضتی در جمهوری اسلامی ایران اشاره و سپس درباره ویژگی‌های این دیپلماسی مباحثی ارائه خواهد شد. در ادامه نیز روش‌ها، راهبردها و نتایج حاصل از دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

مفهوم و چارچوب دیپلماسی نهضتی

«دیپلماسی» و «نهضت» مفاهیم چندان جدیدی نیستند و از گذشته کاربرد داشته‌اند؛ با این حال ترکیب آنها با یکدیگر و پدید آمدن اصطلاح «دیپلماسی نهضتی» بیانگر مفهوم نسبتاً نوینی است که چارچوب مشخصی ندارد. از این رو لازم است ضمن بررسی دو مفهوم دیپلماسی و نهضت، جنبه‌های مختلف ماهیت دیپلماسی نهضتی نیز آشکار شود. در این راستا بررسی ریشه‌ها و بنیان‌های دیپلماسی نهضتی و اهداف آن نیز مد نظر خواهد بود. همچنین به منظور توضیح بهتر دیپلماسی نهضتی، بهتر است این نوع دیپلماسی با دیپلماسی رسمی مقایسه و نقاط افتراق و اشتراک آنها بررسی شود.

1. دیپلماسی و نهضت

دیپلماسی ایجاد روشی از نفوذ و تأثیرگذاری بر تصمیم‌ها و رفتارهای دولت‌های خارجی و اشخاص از طریق گفت‌وگو و مذاکره است. اینکه چگونه روش مدنظر برای نفوذ و تأثیرگذاری ایجاد شود، به دیپلماسی جنبه هنر و دانش می‌دهد. بنابراین دیپلماسی مجری سیاست خارجی نیست، بلکه هنر و دانش چگونه اجرا کردن سیاست خارجی است. اهمیت دیپلماسی به حدی است که کیفیت آن یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده قدرت ملی محسوب می‌شود. در واقع کیفیت دیپلماسی یک دولت می‌تواند تمام عوامل تأثیرگذار در قدرت ملی را به صورت

مجموعه‌ای منسجم ترکیب کند، به آنها جهت و وزن دهد و با دمیدن روح قدرت بالفعل در آنها امکانات بالقوه و خفته آنها را بیدار کند (مورگنتا، 1379: 246).

از سوی دیگر «نهضت» به معنای حرکت و خیزش برای قیام علیه امر و وضع نامطلوب تعریف شده است. نهضت زمینه‌ساز و بسترساز وقوع تحولات مهم است. آنچه نهضت برای آن به وقوع می‌پیوندد و برای آن زمینه‌سازی می‌کند، به نهضت هویت می‌دهد. عموماً دین همراه مکاتب فکری نظیر ناسیونالیسم، مارکسیسم، لیبرالیسم و... از محورهای ثقلی هستند که به یک نهضت هویت می‌بخشند.

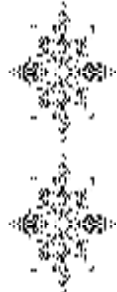
در این بین به رغم آنکه یکی از جدیدترین مفاهیم دیپلماسی به هویت‌های مهم از نظر سیاسی همچون گروه‌های آزادی‌بخش، سازمان‌های بین‌المللی و نیز حکومت‌های مستقل مربوط می‌شود (بیات، 1385: 42)، تاکنون درباره ترکیب دو مفهوم دیپلماسی و نهضت و همچنین اصطلاح دیپلماسی نهضتی، تعریف مشخص و واضحی بیان نشده است. اگرچه مفهوم دیپلماسی نهضتی در ظاهر، رفتار جنبش‌های اسلامی با محیط خارجی خود را به ذهن متبادر می‌کند، اما تفاوت‌های عمده‌ای میان آنها وجود دارد:

نخست آنکه تمام رفتارهای جنبش‌های اسلامی مطابق مفهوم دیپلماسی نهضتی نیست.

دوم آنکه کلیت رفتارهای خارجی جنبش‌های اسلامی تنها بخشی از مفهوم دیپلماسی نهضتی را پوشش می‌دهد.

2. ماهیت دیپلماسی نهضتی

دیپلماسی نهضتی در ظاهر ترکیبی نامتجانس دارد؛ زیرا از ترکیب دیپلماسی به عنوان امری رسمی و نهضت به مثابه رویکردی غیررسمی ایجاد شده است. ترکیب دیپلماسی و نهضت به این معناست که یک ابزار رسمی (دیپلماسی) باید در خدمت هدفی غیررسمی (نهضت) قرار گیرد. این مسئله باعث شده است



تعاریف گوناگونی از دیپلماسی نهضتی ارائه شود:

1. دیپلماسی نهضتی روشی برای نهضت‌سازی و توانمندسازی نهضت‌های موجود و ارتقای وضعیت آنها در جوامع خود و در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است.
2. دیپلماسی نهضتی، روشی در مواجهه با دولت‌ها و سازمان‌های رسمی به منظور پیشبرد امور نهضتی است.

عنصر محوری دیپلماسی نهضتی «مقاومت» است. اگر چه محور مقاومت وارد عرصه دیپلماسی می‌شود، از اصول اساسی خود عدول نمی‌کند؛ در حالی که بسیاری از جنبش‌های اسلامی به دلایل مختلف از مواضع خود کوتاه آمده و به نوعی با مجذوب شدن در شرایط جدید، دچار تغییر موضع و تحول رفتار شده‌اند.

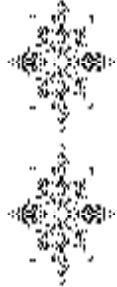
به این ترتیب می‌توان دیپلماسی نهضتی را از «نظریه مقاومت» استخراج کرد. این نظریه در قالب گسترده‌تری به نام «نظریه رهایی‌بخش» جای دارد. نظریه رهایی‌بخش راه و روش رهایی از نظام سلطه را ارائه می‌دهد. یکی از راه‌های رهایی از نظام سلطه، مقاومت و متناوب آن دیپلماسی نهضتی است. در واقع دیپلماسی نهضتی، تاکتیک اجرای استراتژی مقاومت است. نوک پیکان دیپلماسی نهضتی به سمت نظام سلطه، صرفاً معطوف تک‌تک بازیگران این نظام نیست، بلکه متوجه ساختار نظام است تا اجزای آن را با چالش مواجه کند. بدین معنی که دیپلماسی نهضتی علاوه بر آنکه به توان داخلی و دفاعی بازیگران نظام سلطه آسیب می‌زند، همکاری موجود بین آنها و توانایی به کارگیری سایر بازیگران توسط یک بازیگر قدرتمندتر را کاهش می‌دهد.

از سوی دیگر دیپلماسی نهضتی، هنر و دانش تأثیر گذاشتن بر وضع نامطلوب مسلمانان در جوامع اسلامی و غیراسلامی است. در زمان صلح و وضعیت بهنجار و مطلوب اسلامی، حکومت اسلامی وجود دارد، اما دیپلماسی نهضتی موجودیت ندارد. با توجه به آنکه دیپلماسی نهضتی در ذات خود عنصر مقاومت را نهفته دارد، صرفاً در وضعیت بین‌المللی نامطلوب که عدالت، برابری و آزادی در آن نادیده

گرفته شده و ظلم و ستم تولید می‌شود، شکل می‌گیرد. به همین دلیل امام خمینی (ره) تأکید کرده‌اند «تا بانگ لاله‌الاالله و محمد رسول‌الله بر تمام جهان طنین نیفتد، مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم». بنابراین ماهیت دیپلماسی نهضتی را ظلم‌ستیزی و مقابله با هرگونه ستم در داخل و خارج شکل می‌دهد.

دیپلماسی نهضتی پاسخی به این سؤال است که چگونه می‌توان با جنبش‌ها و جریان‌های مختلف، ادبیات، گفتمان، منافع و اهداف مشترک تولید کرد. برای مثال مارکسیست‌ها در اهداف خود برای جذب توده‌ها از مفاهیمی همچون طبقه کارگر و پرولتاریا استفاده می‌کردند تا تمام کارگران دنیا را با مواضع و اهداف خود همسو کنند. هدف نهایی آنها همگرایی، جبهه‌سازی و ایجاد گفتمان مشترک در تمام کشورهای جهان بود.

در این بین دیپلماسی نهضتی با توجه به صبغه و ریشه مذهبی خود، همسوسازی مسلمانان را هدف اصلی قرار داده است و در این راستا از مفاهیم، ادبیات و گفتمان مذهبی استفاده می‌کند. علاوه بر مفاهیم و گفتمان مذهبی مشترک که پیش‌زمینه و زیربنای توسعه روابط با مسلمانان در قالب دیپلماسی نهضتی محسوب می‌شود، وجود تهدید مشترک نیز در تولید منافع همسو نقش مؤثری دارد. برای مثال، وجود تهدید مشترک و دشمن مشترک نظیر امریکا و رژیم صهیونیستی نقش مؤثری در ایجاد پیوند میان جنبش‌ها و نهضت‌های موجود در جهان اسلام ایفا کرده است. نکته درخور توجه این است که دشمن مشترک یکباره به وجود نیامده، بلکه در گذر زمان و به واسطه تجربه‌های مشترک ملت‌ها شکل گرفته است. در این راستا تاریخ مشترک مسلمانان و مواجهه آنها با استعمار، اشغالگری، مداخله خارجی در امور داخلی، تبلیغات و اقدامات خصمانه، تهاجم نظامی، حکوت‌های دست‌نشانده و... نقش مؤثری در شکل‌گیری تهدید و دشمن مشترک میان آنها داشته است (زارعی، 1394).



بنابراین دیپلماسی نهضتی می‌تواند ضمن برقراری ارتباط با جنبش‌ها، نهضت‌ها و جریان‌های مذهبی موجود، در راستای همگرایی آنها گام بردارد و از مجموع آنها یک جبهه به وجود آورد. در این فرایند، جبهه می‌تواند به قدرتی تبدیل شود که از منافع و اهداف خود در سطح منطقه صیانت کند. برای مثال، جبهه مقاومت که در منطقه خاورمیانه شکل گرفته، واکنشی به تهدیدهای مشترک است و در واقع برای مقابله با دشمن مشترک شکل گرفته است.

3. ریشه‌ها و بنیان‌های دیپلماسی نهضتی

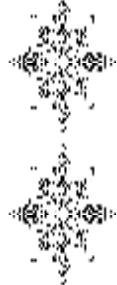
انسان‌ها به طور ذاتی دوستدار آزادی، عدالت، حرمت و کرامت هستند و هر عاملی که به این ارزش‌ها خدشه وارد کند، با واکنش و خیزش فطری مواجه خواهد شد. در این خصوص اسلام برای چگونه رفتار کردن با ملت‌ها و دولت‌های دیگر اصولی وضع کرده که از قرآن و سنت اخذ شده است. این اصول که همان سیاست خارجی اسلام هستند، مفاهیمی همچون ظلم‌ستیزی، نفی سبیل، عدم سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، وفای به عهد و پیمان، حفظ عزت و کرامت، دعوت و جهاد را دربرمی‌گیرند. از متن این اصول می‌توان مبانی اندیشه و رفتار دیپلماسی نهضتی را استخراج کرد.

الف) اصل ظلم‌ستیزی و نفی سبیل: دستور اسلام مبنی بر مقابله با ظلم از یک سو منطقی و از سوی دیگر استراتژیک است. منطقی بدان علت است که انسان نباید نسبت به ظلم بی‌اعتنا باشد؛ در غیر این صورت انسانیت مورد شک و تردید خواهد بود؛ زیرا اساساً موجود بی‌اعتنا، انسان نیست. بر این اساس حتی در شرایطی که قدرت مبارزه و مقابله با ظلم و ظالم وجود ندارد، نباید به آن بی‌اعتنا بود؛ بلکه ضروری است در حد توان علیه آن اقدام کرد.¹ علاوه بر این ظلم‌ستیزی و نفی سبیل از آن رو استراتژیک قلمداد می‌شود که مقابله با ظلم به هر نحوی

1. بر اساس دیدگاه امام خمینی (ره) «هماشات با ظلم و ظالم در مکتب ائمه (ع) تحت هیچ شرایطی پذیرفته نیست و مبارزه به هر شکل ممکن واجب است، زیرا رضایت بر حکومت ظالم به معنای رضایت بر ظلم به مظلومان است» (مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، 1392: 83).

می تواند مانع گسترش آن در سطح وسیع تر شود. این امر مسلمانان و به خصوص شیعیان را که بر اصل نفی سبیل¹ به معنای نپذیرفتن استکبار و سلطه کافران تأکید دارند، بر آن می دارد که هرگز سلطه و استکبار کافران را بر خود نپذیرند و در مقابل آن ایستادگی کنند. به این ترتیب ظلم ستیزی و عدم پذیرش استکبار و استعمار یکی از ریشه های دیپلماسی نهضتی محسوب می شود؛ زیرا دیپلماسی نهضتی بر اساس این قاعده که در رفتارهای خود (اعم از رفتار در حوزه شخصی، اجتماعی، سیاسی و...) باید تکلیف را انجام داد، عمل می کند و وعده پیروزی مظلوم بر ظالم و حق علیه باطل را پشتوانه خود قرار می دهد.

ب) اصل عدالت خواهی: یکی دیگر از ارزش های موجود در فرهنگ سیاسی مسلمانان و شیعیان که از ریشه ها و بنیان های دیپلماسی نهضتی محسوب می شود، عدالت خواهی است. امروزه به دلیل فقدان عدالت و مساوات در وجوه مختلف نظام بین الملل، صلح و امنیت رخت بر بسته است. در چنین وضعیتی اسلام به عنوان یک مکتب جامع، در مقام تعریف الگوی رفتاری در عرصه خارجی بر اصلی متفاوت تأکید دارد که بنیاد آن را «مساوات حکمی» شکل می دهد. منظور از مساوات حکمی جریان یافتن قواعد بین المللی برای بازیگران مسلمان و غیرمسلمان به شکل واحد است (افتخاری، 1389: 310). اگرچه دولت های اسلامی که به عنوان بازیگر و عضو رسمی جامعه بین الملل وجود دارند، برای رفع این معضل اقدامات زیادی انجام داده اند، اما تاکنون نتیجه مطلوبی نگرفته اند؛ زیرا این دولت ها در مقابله با بی عدالتی ها صرفاً بر اساس منافع ملی خود عمل کرده اند؛ در حالی که جنبش ها و نهضت های اصیل اسلامی، حمایت از سایر مسلمانان فراتر از مرزهای ملی خود را نیز مد نظر دارند. این امر در مورد دیپلماسی نهضتی کاملاً مصداق دارد؛ زیرا دیپلماسی نهضتی تلاش دارد خلأ موجود را که موجب بی عدالتی علیه مسلمانان شده است، از میان بردارد و مطابق



1. چنان که در قرآن کریم آمده است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/ 141).

منافع جمعی امت اسلامی در راستای احقاق حقوق مسلمانان عمل کند.

(ج) اصل عزّت و کرامت: انسان جدا از هرگونه رنگ و زبان، دین و آیینی دارای عزّت و کرامت است. در این بین اسلام تأکید زیادی بر حفظ عزت و کرامت انسانی دارد و مطابق آن، مسلمانان باید در روابط با دیگران مدافع عزّت و کرامت خود و سایر انسان‌ها باشند. بر این اساس با توجه به آنکه کمال و سعادت انسان هدف نهایی اسلام است، کرامت انسانی به عنوان یکی از ارکان نظریه رویکرد اسلامی به صلح و امنیت، مطرح است؛ به این معنا که نحوه مناسبات بین‌المللی و الگوهای امنیتی نباید به گونه‌ای باشد که عزت و کرامت انسانی به مخاطره افتد (افتخاری، 1389: 324). از این رو یکی از ارکان و اصول دیپلماسی نهضتی حفظ و صیانت عزت و کرامت مسلمانان در جوامع خود و همچنین در سطح جهان است.

(د) اصل دعوت: دعوت به معنای ترغیب مخاطب به اصول و ارزش‌های مد نظر از طریق اقناع است. در حکومت پیامبر اکرم (ص) به قصد دعوت به اسلام، سفیرانی به کشورهای حبشه، ایران و روم فرستاده شدند. علاوه بر این، افرادی که آموزه‌های اسلام را بهتر فهمیده بودند، به مناطق همجوار اعزام می‌شدند تا مردم را به اسلام ترغیب کنند. دعوت ملت‌ها و جوامع دیگر به روآوردن و پذیرش ارزش‌ها و تعالیم اسلام، یکی از وظایفی است که مسلمانان باید انجام دهند. بنابراین یکی از اصول دیپلماسی نهضتی، اصل دعوت به اسلام است.

(ه) اصل جهاد: اگر چه معمولاً مفهوم جهاد به منزله مبارزه فیزیکی تلقی می‌شود، اما دارای ابعاد مختلفی است. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «جهاد بر چهار پایه استوار است: امر به معروف، نهی از منکر، راستگویی در هر حال و دشمنی با فاسقان» (نهج البلاغه، حکمت 31). در واقع جهاد اسلامی، وسعتی به اندازه تمام نیات خوب و انسانی دارد که از تلاش برای ابراز ناراحتی از یک عمل زشت و ناحق تا حضور در جبهه جنگ علیه ظالمان و ستمگران را شامل می‌شود. بر این اساس دیپلماسی نهضتی، هدف متعالی جهاد را در خود مستتر دارد.



4. اهداف دیپلماسی نهضتی

هدف اصلی دیپلماسی نهضتی، استقرار و استمرار روابط طولانی‌مدت فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های یک نظام سیاسی خاص با سایر جوامع است. از این رو دیپلماسی نهضتی را می‌توان از یک سو برنامه‌ریزی راهبردی و از سوی دیگر اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اطلاع‌رسانی به منظور ترویج افکار نهضتی تلقی کرد؛ زیرا دیپلماسی نهضتی به دنبال ایجاد رابطه به منظور حمایت و تقویت نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان به ویژه جهان اسلام است.

با چنین اهدافی، سازمان و نظریه‌پردازان نهضتی برای خود نقشی قائل می‌شوند که «هالستی» از آن با عنوان نقش «سنگر انقلاب» و «رهایی‌بخش» و همچنین «حامی جنبش‌های رهایی‌بخش» یاد می‌کند (هالستی، 1373: 201 و 202). چتر حمایتی چنین نقشی نه تنها امت و جوامع اسلامی را که اولویت دارند، بلکه سایر ملت‌ها و گروه‌های آزادی‌بخش و عدالت‌خواه را شامل می‌شود. بر این اساس می‌توان مهم‌ترین اهداف دیپلماسی نهضتی را در جوامع اسلامی به شرح زیر برشمرد:

1. اولین هدف دیپلماسی نهضتی، حمایت از نهضت‌های موجود آزادی‌خواه و حق‌طلب در جهان اسلام و ایجاد نهضت‌های جدید است. بر این اساس

دیپلماسی نهضتی باید به ارتباط‌گیری با نهضت‌های موجود پردازد و در راستای تقویت آنها بکوشد. همچنین دیپلماسی نهضتی باید زمینه ظهور نهضت‌های جدید را در کشورهای اسلامی فراهم کند.

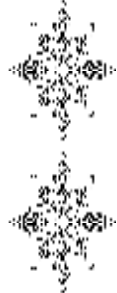
2. دومین هدف دیپلماسی نهضتی، تبلیغ و اشاعه نهضت اسلامی به عنوان یک حرکت اصیل و حق‌طلبانه است. در این راستا ارائه و تبلیغ طرحی که در قالب آن مسلمانان به این حقیقت نزدیک شوند که نهضت اسلامی اصیل، حافظ منافع و دوستدار آنهاست، می‌تواند ضمن پایان دادن به تصورات غلط برخی جوامع از نهضت‌های اسلامی، آینده‌ای نوین را پیش روی آنها ترسیم کند. به نتیجه رسیدن چنین طرحی نه تنها مستلزم برخی اقدامات عملی است، بلکه به تبلیغات و تکرار رسانه‌ای هم نیاز دارد. بر این اساس تشکیلات نهضتی نه تنها نباید به هیچ وجه دست از تبلیغات بردارد، بلکه باید برنامه‌ها و طرح‌های تبلیغاتی را با نظر کارشناسان به صورت مداوم در سطح منطقه اجرا کند. کمترین نتیجه تبلیغ، اشاعه الفاظ و سخنان صلح‌آمیز از زبان سازمان و تشکیلات نهضتی است که با تکرار مداوم آن، درجه باورپذیری افزایش می‌یابد.

3. سومین هدف دیپلماسی نهضتی، هویت‌بخشی و آگاه کردن مسلمانان نسبت به شرایط موجود است. بر این اساس دیپلماسی نهضتی باید ملت‌ها، به ویژه جوامع اسلامی را نسبت به هویت، وضعیت سیاسی و اجتماعی موجود و همچنین شرایط ناعادلانه نظام بین‌الملل آگاه سازد و به آنها درک درستی از استعداد و توانایی‌های خود ارائه کند. در این راستا دیپلماسی نهضتی می‌تواند به انحراف مختلف به بیان حقایق موجود پردازد و جنایات قدرت‌های استکباری را افشا کند. همچنین دیپلماسی نهضتی می‌تواند عواطف و احساسات مسلمانان را نسبت به آنچه پیرامون آنها می‌گذرد، برانگیزد. در واقع دیپلماسی نهضتی می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از بی‌اعتنایی مسلمانان نسبت به ظلم و ستم موجود ایفا و آنها را در برابر هر نوع تضييع حق، به ایستادگی و پایداری دعوت کند.

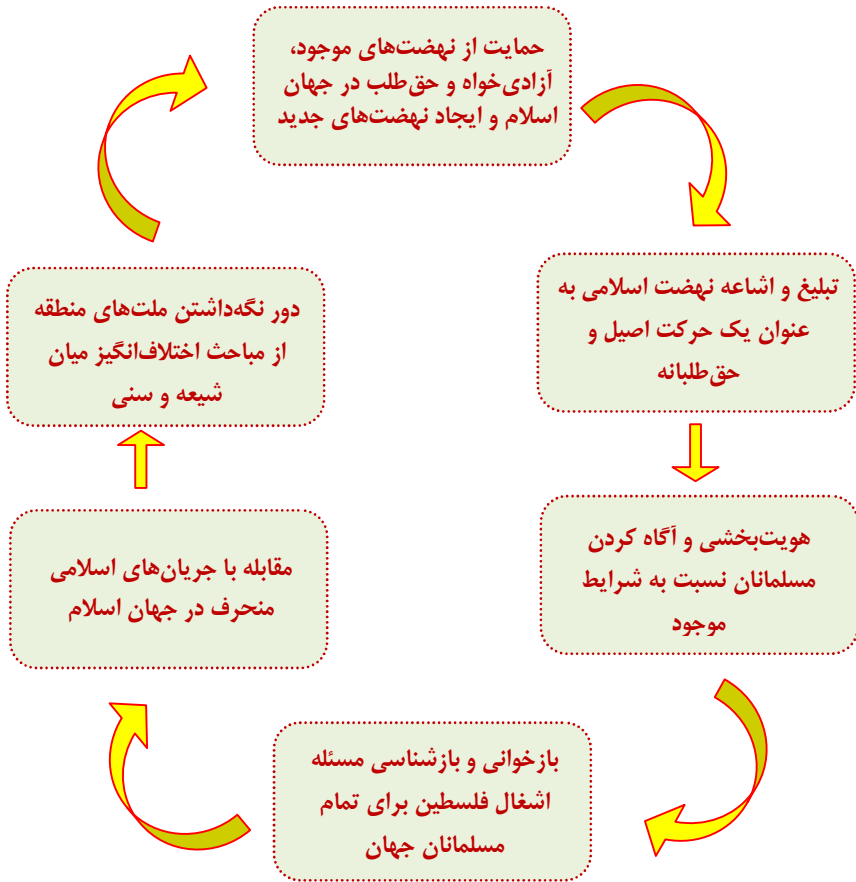
4. چهارمین هدف دیپلماسی نهضتی، بازخوانی و بازشناسی مسئله اشغال فلسطین برای تمام مسلمانان جهان است. اگر چه مسئله فلسطین یکی از دردناک‌ترین معضلات جهان اسلام به شمار می‌رود، به دلایل مختلف، هنوز بسیاری از مسلمانان نسبت به آن آگاهی کامل ندارند. از این رو دیپلماسی نهضتی باید مروج نگرانی و مبارزه علیه رژیم صهیونیستی باشد که بخشی از سرزمین‌های اسلامی را غصب کرده است.

5. پنجمین هدف دیپلماسی نهضتی، مقابله با جریان‌های اسلامی منحرف در جهان اسلام است که به انحای مختلف سعی می‌کنند چهره اسلام را تخریب و اسلام واقعی را تحریف کنند. برخی از این جریان‌ها مروج اسلام امریکایی هستند و برخی دیگر به اشاعه اسلام بنیادگرایانه و افراطی می‌پردازند. از این رو دیپلماسی نهضتی باید به انحای مختلف در عرصه عملی و نظری به مقابله با جریان‌ها و گروه‌های افراطی و تکفیری پردازد و اسلام ناب محمدی را ترویج کند.

6. ششمین هدف دیپلماسی نهضتی، دور نگه داشتن ملت‌های منطقه از مباحث اختلاف‌برانگیز میان شیعه و سنی است. اهمیت راهبردی این مسئله به قدری است که دشمن برای مقابله با وحدت اسلامی، پیوسته در حال اختلاف‌افکنی است. در سال‌های اخیر، این راهبرد که برخی پژوهشکده‌ها و کارشناسان غربی ارائه کرده‌اند، از سوی برخی حکام کشورهای مسلمان نیز به مرحله اجرا در آمده است. با این حال رفع اختلاف یا دست‌کم خاموش نگه داشتن آن دور از دسترس نیست و دیپلماسی نهضتی در این راستا می‌تواند اقدامات مؤثری انجام دهد.



اهداف دیپلماسی نهضتی در جهان اسلام



اهداف فوق نشان می‌دهند که دیپلماسی نهضتی روش‌ها و ابزارهای دیپلماسی را از محمل‌های سنتی آن خارج و عرصه‌ای نوین برای نقش‌آفرینی تفکر نهضتی فراهم کرده است. بر این اساس در دیپلماسی نهضتی، تفکر و اندیشه نهضتی وارد روابط خارجی می‌شود؛ به نحوی که نیروهای نهضتی، محصولات فکری و تجربی خود را در مسیر سیاست خارجی به کار می‌گیرند و با ایجاد روابطی مبتنی بر اصول نهضتی، ضمن انتقال ارزش‌های مد نظر، هدایت روابط خارجی را نیز در عرصه‌های مختلف بر عهده می‌گیرند.

بر این اساس دیپلماسی نهضتی، هدف نهایی خود را حمایت از نهضت‌ها،

ملت‌ها و دولت‌هایی قرار داده است که هر یک به نحوی درگیر معضلاتی همچون اشغالگری، استبداد، سرکوب، استعمار، مداخله خارجی و... هستند. در این راستا دیپلماسی نهضتی عموماً به کمک نهضت‌ها، ملت‌ها و دولت‌هایی شتافته است که از یک یا چند عامل رنج برده و دچار آسیب شده‌اند:

1. ملت‌هایی که به واسطه وجود حکومت‌های سرکوبگر تحت فشار هستند و حقوق شهروندی آنها در ابعاد مختلف نادیده گرفته و به انحای مختلف بر تمام یا بخشی از آنها فشار وارد می‌شود.

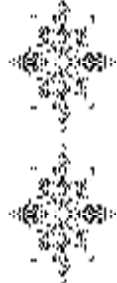
2. ملت‌هایی که به دلایل مختلف سرزمین آنها تحت تهاجم خارجی قرار گرفته است و توان مقابله با قدرت خارجی را ندارند. نمونه آن اقدامات دیپلماسی نهضتی در عراق و افغانستان یا اقدامات دیپلماسی نهضتی در کشورهای همچون یمن و بحرین است.

3. ملت‌هایی که بخشی یا تمام سرزمین‌های آنها در اشغال نیروهای متخاصم قرار گرفته است. نمونه واضح چنین امری، اشغال سرزمین‌های فلسطین توسط رژیم غاصب اسرائیل است که دیپلماسی نهضتی توانسته به انحای مختلف از مردم فلسطین حمایت کند.

4. دولت‌هایی که به دلیل توطئه‌های خارجی با پدیده‌هایی نظیر تروریسم و افراط‌گرایی مواجه شده و مورد هجمه قرار گرفته‌اند. در چنین شرایطی دیپلماسی نهضتی وارد عمل می‌شود و با کمک به این دولت‌ها، نقش مهمی در برقراری ثبات و امنیت آنها ایفا می‌کند. از نمونه‌های بارز عملکرد دیپلماسی نهضتی در این حوزه می‌توان به سوریه و عراق اشاره کرد.

5. تفاوت‌های دیپلماسی نهضتی با دیپلماسی رسمی

در میان انواع دیپلماسی‌های رایج، دیپلماسی عمومی تا حدی به مفهوم دیپلماسی نهضتی نزدیک‌تر است؛ زیرا مخاطبین دیپلماسی عمومی نیز مردم جوامع خارجی و

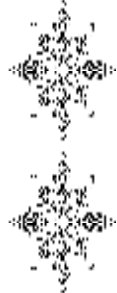


به طور خاص تر گروه‌ها، سازمان‌ها و افراد غیر رسمی هستند (میلسن، 1389: 42). در گذشته دیپلماسی عمومی را عمدتاً کسانی به کار می‌گرفتند که تمایل داشتند خارج از نظم رایج بین‌المللی زندگی کنند یا آن را برهم بزنند (شارپ، 1389: 208)؛ اما امروزه مورد استفاده بسیاری قرار می‌گیرد.

با این حال نگاهی عمیق‌تر به ماهیت هر دو دیپلماسی بیانگر وجود تفاوت‌هایی میان آنهاست. برای مثال در شرایطی که دیپلماسی عمومی را تمام دولت‌ها و حاکمیت‌ها می‌توانند به کار ببرند و از آن استفاده کنند، دیپلماسی نهضتی را صرفاً کشورهایی انتخاب می‌کنند که برای خود نقش نهضتی در نظر گرفته‌اند و در سیاست خارجی خود، سمت‌گیری نهضتی دارند. علاوه بر این، دیپلماسی عمومی امری بشردوستانه نیست و یک ابزار نرم صرف هم محسوب نمی‌شود (میلسن، 1389: 57)؛ اما دیپلماسی نهضتی به دنبال امری بشردوستانه است و زیربنای آن به سعادت و کمال بشریت گره خورده است. بنابراین تفاوت‌های ماهوی و روشی در دیپلماسی عمومی و دیپلماسی نهضتی وجود دارد.

به طور کلی تفاوت‌های دیپلماسی نهضتی با سایر دیپلماسی‌ها را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

1. رسمی و غیررسمی بودن: برخلاف انواع مختلف دیپلماسی‌ها نظیر دیپلماسی کلاسیک، دیپلماسی پارلمانی، دیپلماسی دفاعی و... که عموماً توسط نمایندگان رسمی کشورها با نمایندگان رسمی سایر کشورها صورت می‌گیرد، دیپلماسی نهضتی صرفاً توسط افراد رسمی تعقیب نمی‌شود. البته ممکن است یک فرد نهضتی عهده‌دار منصبی دیپلماتیک نظیر سفیر، کاردار، کنسول، ریزنی و... شود، اما دیپلماسی نهضتی صرفاً به معنای نمایندگی رسمی نیست؛ زیرا حتی اگر فرد نهضتی در جایگاه یک دیپلمات قرار گیرد و دارای شخصیت حقوقی مشخص شود و ناگزیر باشد از مبادی رسمی به ایجاد ارتباط با بخش‌های مختلف کشور هدف بپردازد، باز هم اهداف نهضتی را پیگیری می‌کند؛ در حالی که دیپلماسی



کلاسیک عموماً در پی اهداف مشخص رسمی است.

2. مردمی بودن: دیپلماسی نهضتی نسبت به سایر انواع دیپلماسی‌ها، علاوه بر نمایندگان حکومت با توده‌های مردم نیز سر و کار دارد. در واقع دیپلماسی نهضتی هم «دولت‌محور» و هم «ملت‌محور» است؛ به این معنا که دیپلماسی نهضتی افزون بر برقراری روابط رسمی با دولت‌ها، عهده‌دار برقراری رابطه با ملت‌ها و نهضت‌های مردمی است. همچنین می‌توان مقامات محلی را که گفت‌وگو و مذاکره با آنها تأثیرات خوبی در پیشبرد اهداف دارد، به لیست مخاطبان آن افزود. در مجموع، گستره ارتباطات دیپلماسی نهضتی، صرفاً دولت یا نماینده رسمی یک حکومت نیست، بلکه شامل طیف گسترده‌ای از مردم با مرام‌ها، اعتقادات و باورهای مختلف می‌شود. بنابراین جنبه‌های مردمی دیپلماسی نهضتی به نحوی است که یک دیپلمات نهضتی به طور مستقیم با توده‌های مردم یا منتخبی از نخبگان آنها سر و کار دارد.

2. صادقانه بودن: در دیپلماسی نهضتی برخلاف سایر دیپلماسی‌ها، سیاست‌های اعلامی و اعمالی یکسان است و صداقت عاملی تعیین‌کننده در پیشبرد اهداف محسوب می‌شود. در واقع دیپلماسی نهضتی مبتنی بر فریب و نیرنگ نیست و در ارتباط‌گیری با ملت‌ها نیازمند صداقت است؛ زیرا اگر این دیپلماسی بر مبنای رفتار صادقانه و اقناع نباشد و نتواند توده‌های مردم یا نمایندگان آنها را در رأس نهضت‌ها با خود همراه کند، به اهداف خود دست نخواهد یافت. از این رو دیپلماسی نهضتی برخلاف انواع دیپلماسی‌های رسمی، رابطه خود را بر مبنای صداقت و نیت آشکار تنظیم می‌کند. ضمن آنکه هدف نهایی دیپلماسی نهضتی نیز کاملاً روشن و واضح است. این در حالی است که در دیپلماسی رسمی، عموماً طرفین می‌کوشند مقاصد و نیت خود را پنهان سازند و با انواع ترفندها، از بازگویی واقعیت‌ها و صداقت طفره روند. بنابراین حرف و عمل دیپلماسی نهضتی یکسان و همسو است و نمی‌توان تفاوت بارزی میان آنها یافت.

3. معنوی بودن: دیپلماسی رسمی تحت لوای حکومت رسمی و ذیل اهداف آن حرکت و عمل می‌کند، اما دیپلماسی نهضتی بر اساس منافع معنوی و غیرمادی جامعه و امت اسلامی و همچنین جامعه غیرمسلمانی که تحت ظلم و ستم زندگی می‌کنند، عمل می‌کند. بنابراین برخلاف انواع دیپلماسی‌ها که بر پایه مادیات و محاسبه سود و زیان (نتیجه) استوار شده‌اند، مبنای دیپلماسی نهضتی را معنویت و اصول و ارزش‌های غیرمادی (تکلیف) شکل داده است. در واقع دیپلماسی نهضتی در درون خود دارای دو عنصر مادی و معنوی است. عنصر مادی، همان ابزارها و روش‌هایی هستند که دستیابی به عنصر معنوی و غایی دیپلماسی نهضتی را فراهم می‌کنند. عنصر معنوی نیز که از ارزش‌های انقلابی و اسلامی ناشی می‌شود، اهداف متعالی را دنبال می‌کند.

4. غیرابزاری بودن: اگر چه در دیپلماسی نهضتی از ابزارها و روش‌های مختلفی برای دستیابی به هدف استفاده می‌شود، اما رویکرد ابزاری نسبت به پدیده‌ها در این دیپلماسی حاکم نیست. در واقع ابزارها و روش‌های رسیدن به هدف در دیپلماسی نهضتی با سایر دیپلماسی‌ها متفاوت است و دیپلماسی نهضتی نمی‌تواند از هر ابزاری برای رسیدن به هدف استفاده کند؛ به خصوص که در اسلام، هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. دلیل منطقی که برای این محدودیت وجود دارد، این است که شاید استفاده از هر ابزاری، نتیجه کوتاه‌مدت داشته باشد، اما با اهداف بلندمدت نهضتی تناقض خواهد داشت و چهره نهضت را تخریب می‌کند؛ حال آنکه داشتن چهره خوب برای نهضت بسیار مهم و راهبردی است.

5. غیرساختاری بودن: اگر چه در اکثر مواقع، دیپلماسی رسمی و دیپلماسی نهضتی به صورت هماهنگ و در یک جهت قدم بر می‌دارند، اما در برخی مواقع این دو دیپلماسی بر اساس تفاسیر خود به صورت جداگانه و در جهت مختلف حرکت کرده‌اند؛ زیرا دیپلماسی کلاسیک، خود را پای‌بند حقوق و قوانین بین‌المللی و همچنین دنباله‌رو نظام بین‌المللی موجود تلقی می‌کند، اما دیپلماسی

نهضتی به دنبال برهم زدن نظم و نظام بین‌المللی ناعادلانه موجود است. از این رو به رغم آنکه دیپلماسی نهضتی نسبت به واقعیت‌های موجود در نظام بین‌الملل آگاهی کامل دارد، نظاره‌گر صرف نیست و بر اساس وظیفه و تکلیف عقلی و شرعی با آن مقابله می‌کند. بنابراین هدف دیپلماسی نهضتی برهم زدن موازنه قدرت بین‌المللی است؛ در حالی که هدف نهایی دیپلماسی رسمی، فعالیت در چارچوب ساختار نظام بین‌الملل است.

تفاوت‌های دیپلماسی رسمی با دیپلماسی نهضتی

دیپلماسی رسمی	دیپلماسی نهضتی
رسمی	رسمی و غیر رسمی
دولتی	دولتی و مردمی
پنهان‌سازی واقعیت‌ها	صداقت‌محوری
محاسبه سود و زیان مادی	معنوی و غیرمادی بودن
نگاه ابزاری	رویکرد غیرابزاری
(هدف، وسیله را توجیه می‌کند)	(هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند)
پیروی از قواعد نظام بین‌الملل	عدم تبعیت از قواعد ناعادلانه نظام بین‌الملل
(ساختاری بودن)	(غیرساختاری بودن)

جمهوری اسلامی ایران و دیپلماسی نهضتی

دیپلماسی نهضتی در جهان اسلام، در دل دیپلماسی اسلامی نهفته است. هدف کلان و بلندمدت دیپلماسی اسلامی که از نظر حوزه شمول، فراگیر و عالم‌گیر است، سعادت و کمال بشری است و برای نیل به سعادت، مقوله‌هایی مانند عدالت اجتماعی، تکمیل فضایل اخلاقی و تربیت و تزکیه جوامع بشری به منزله پیش‌زمینه‌های لازم مطرح می‌شود (سجادی، 1383: 126). در این بین یکی از مهم‌ترین نهضت‌هایی که اصول اسلامی را مبنای حرکت و تفکر خود قرار داده، انقلاب اسلامی ایران است؛ به نحوی که شیعی و اسلامی بودن انقلاب اسلامی ایران را می‌توان در نهضت برآمده از آن مشاهده کرد. وجه ممیزه انقلاب ایران با سایر انقلاب‌ها، جایگاه مذهب و تأثیر آن در فرایند تحولات سال 1357 است. در

واقع مذهب تشیع به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی در انقلاب اسلامی ایران عمل کرد. متأثر از همین ایدئولوژی، اعلام عدم سازگاری بین اسلام و کفر، رکن اساسی نهضت اسلامی در ایران بود (صدیقی، 1375: 136). بر این اساس مذهب شیعه موجب شد انقلاب ایران خصوصياتی کسب نماید که در میان انقلاب‌های مهم، جایگاه ویژه‌ای پیدا کند.

اسلام در جریان وقوع انقلاب اسلامی ایران نشان داد که ماندنی‌ترین ابزار ریشه‌دار بومی برای بسیج یک نهضت توده‌ای کارساز است و می‌تواند مفهوم هویت و تاریخ، نمادها و ارزش‌های مشترک را برای رهبری قدرتمند مذهبی - سیاسی و مراکز سازمانی نهضت فراهم آورد. در واقع اسلام، همچون چارچوبی ایدئولوژیک عرضه شد و از طریق آن، به نهضت مظلوم و محروم مخالف با هر نوع طاغوت، معنا و مشروعیت بخشید؛ به نحوی که گروه‌های متنوعی توانستند به آن بپیوندند و در آن فعالیت کنند. این موضوع باعث شد که رابطه‌ای عمیق و نزدیک میان انقلاب اسلامی ایران و نهضت‌های اسلامی شکل گیرد و در سال‌های بعد، جمهوری اسلامی ایران به عنوان سردمدار حمایت از نهضت‌های اسلامی و آزادی‌بخش در جهان اسلام شناخته شود. از این رو بررسی روند شکل‌گیری دیپلماسی نهضتی در جمهوری اسلامی ایران و همچنین ویژگی‌های این دیپلماسی حایز اهمیت است. علاوه بر این، بررسی روش‌ها و راهبردهای دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران و نتایج حاصل از آن نیز از اهمیت زیادی برخوردار است.

1. روند شکل‌گیری دیپلماسی نهضتی در جمهوری اسلامی ایران

چارچوب نظری دیپلماسی نهضتی از بطن نظریه مقاومت استخراج می‌شود. مقاومت در قالب برخورد با سلطه و مبتنی بر قدرت ناشی از روایت انقلاب اسلامی از اسلام ناب محمدی (ص) و نحوه نگرش آن به نظام بین‌الملل است

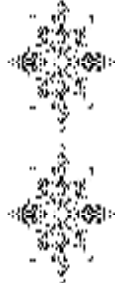
(قادری کنگاوری، 1394). در واقع دیپلماسی نهضتی در جهان اسلام، محصول انقلاب اسلامی و بومی‌سازی ایده‌ها و مفاهیم نهضتی است. سخنان رهبر انقلاب اسلامی در میانه انقلاب و پس از پیروزی آن، سمت‌گیری نهضتی در سیاست خارجی و دیپلماسی را اعلام می‌کرد. امام خمینی به صراحت می‌فرمود: «ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم» (داستانی بیرکی، 1387: 105). وی همچنین معتقد بود: «تمام کشورهای اسلامی چون ایران بنا به وظیفه اسلامی خویش باید از کشورهای در حال رشد و مبارزه با استعمار مادی و معنوی پشتیبانی کنند» (داستانی بیرکی، 1387: 67). به همین دلیل در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دیپلماسی نهضتی به بخشی از سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال مدیریت روابط خارجی تبدیل شد.

با توجه به آنکه دیپلماسی نهضتی به معنای استفاده از آداب دیپلماتیک و تکنیک‌های برقراری و تقویت ارتباط‌های بین‌المللی و بین‌الدولی ناظر بر امور نهضتی و نظامی است، بنابراین این نوع از دیپلماسی باید در شکل و ماهیت، توسط نهادهایی تعیین و اجرا شود که اختصاصاً به منظور مدیریت امور نهضتی کشور طراحی شده‌اند.

2. ویژگی‌های دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران

دیپلماسی نهضتی در جمهوری اسلامی ایران از زمان شکل‌گیری تاکنون از ویژگی‌هایی برخوردار بوده که می‌توان به مهم‌ترین کارویژه‌های دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر اشاره کرد:

1. «قناع مخاطبان» نخستین ویژگی دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران است. دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران توانسته است با اندیشه‌ها و رفتارهای خود، مخاطبین را به تشکیل یک نهضت اسلامی فراگیر قانع و ترغیب کند. این روش را که یک سرمایه‌گذاری است، می‌توان ترغیب نرم، کم هزینه و



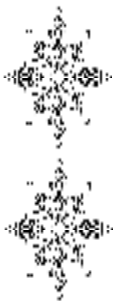
پایدار قلمداد کرد.

2. دومین ویژگی دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران، اعتمادآفرینی و اعتمادسازی است که بر مبنای آن توانسته به مثابه یک «رژیم بین‌المللی»¹ عمل کند. این اعتمادسازی ضمن تأثیر بر توده‌های مردم، میان قشرهای تأثیرگذار جامعه، مانند تحصیل‌کردگان و نخبگان نیز صورت گرفته است.

3. سومین ویژگی دیپلماسی نهضتی، میانجی‌گری در معضلات و مشکلات جوامع اسلامی است. بر این اساس دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران، حضور در مناقشات به عنوان یک میانجی بوده است؛ به نحوی که در سال‌های گذشته بارها دیپلماسی نهضتی موفق شده است اختلاف‌های جنبش‌های اسلامی را برطرف و زمینه مصالحه و دوستی میان آنها را فراهم کند.

4. چهارمین ویژگی دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران، ظرافت‌های دیپلماتیک نهفته در آن است. در حالی که دیپلماسی نهضتی به اندازه سایر دیپلماسی‌ها، میدان عمل گسترده‌ای در کشورهای هدف ندارد، ظرافت کار آن بیش از سایر دیپلماسی‌هاست. با این حال عملکرد دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران نشان داده که از ویژگی‌هایی نظیر چابک بودن، کم‌هزینه بودن، هوشمند بودن، مدیریت هم‌زمان چند پرونده، عدم غافلگیری در برابر حرکت دشمن و... برخوردار است.

5. پنجمین ویژگی دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران، وجه قدرت و توان نظامی آن است. افزایش قدرت نظامی تأثیر زیادی بر روحیه امت مسلمان دارد؛ به خصوص که اکثر مسلمانان به دلیل سیطره نظامی خارجی بر کشورهای خود، به نوعی احساس سرخوردگی می‌کنند. از این رو دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران با پشتوانه قوی دفاعی و نظامی دستاوردهای زیادی داشته است.



1. رژیم‌های بین‌المللی به عنوان یک ابزار و مکانیزم با دادن اطلاعات به بازیگران باعث می‌شوند عوامل عدم اطمینان و نامعلومی که در نظام بین‌الملل وجود دارند، کاهش پیدا کنند (عسگرخانی، 1383: 76).



3. روش‌ها و راهبردهای دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران

در تعریف و مفهوم‌پردازی اهداف دیپلماسی نهضتی باید توجه کرد که از گذشته، دولت‌ها با چند دسته امور رسمی و غیررسمی مواجه بوده‌اند. به عبارت دیگر، دولت‌ها ضمن برقراری انواع روابط دوستانه و خصمانه با سایر واحدهای سیاسی، نسبت به تأثیرگذاری بر ملت‌ها نیز حساس‌اند و همواره تمایل دارند به انحای مختلف از جمله به کارگیری قدرت نرم، میزان تعامل خود با بخش‌های غیررسمی و نیز میزان اثرگذاری خود را گسترش دهند. در عین حال در کشورهای مختلف، سازمان‌ها، نهادها، جنبش‌ها، گروه‌ها و شبکه‌های غیردولتی و غیررسمی وجود دارند که هر یک اهداف خاصی را پیگیری می‌کنند. برخی از این جنبش‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها در پی مسائل قومی، نژادی، زبانی و برخی دیگر نیز در پی مباحث هویتی، ارزشی و مذهبی هستند. گاهی این جنبش‌ها و

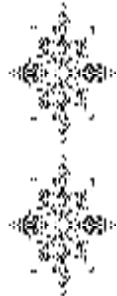
گروه‌ها، مطالبات برحق دارند که از سوی دولت‌ها و قدرت‌های حاکم نادیده گرفته می‌شوند. در چنین شرایطی دیپلماسی نهضتی می‌تواند از دو طریق به احقاق حق این جنبش‌ها و گروه‌ها کمک کند: نخست آنکه دیپلماسی نهضتی از راه ارتباط با دولت حاکم تلاش می‌کند رویکرد آن کشور را نسبت به جنبش یا گروه مد نظر تغییر دهد، اما اگر چنین امری محقق نشد، آن‌گاه راه دوم یعنی توانمندسازی جنبش یا گروه پیگیری می‌شود (زارعی، 1394).

بر این اساس در طول سال‌های گذشته، دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران به منظور توانمندسازی نهضت‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها در دو سطح ایجابی و سلبی وارد شده و به مقابله با دشمن مشترک پرداخته است. در سطح ایجابی از هویت، مذهب و ارزش مشترک به دفاع برخاسته و از آن صیانت کرده و در سطح سلبی نیز از طریق اقدامات قاطع سیاسی و نظامی از هر گونه مداخله خارجی ممانعت کرده است. در واقع دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران در شکل‌دهی به گروه‌ها، جنبش‌ها و نهضت‌ها در راستای ایجاد حس مشترک در حوزه اقدام و عمل گام برداشته است. همچنین دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق اهداف خود، توانمندی در برابر دشمن را یک اصل اساسی تلقی و این توانمندی را در حوزه عمل تعریف کرده است. به این ترتیب در حالی که عموماً گروه‌ها، جنبش‌ها و نهضت‌های کوچک در برابر قدرت‌های بزرگ احساس ضعف می‌کنند، دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران نه تنها باعث از بین رفتن این ضعف شده، بلکه آن‌چنان این گروه‌ها و نهضت‌ها را توانمند کرده است که در برابر قدرت‌های بزرگ دست به ایستادگی و مقاومت می‌زنند. این امر به واسطه چند اقدام عملی در سطوح راهبردی و روشی محقق شده است:

1. الگوسازی: دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد حس توانمندی میان ملت‌ها و نهضت‌ها دست به الگوسازی زده و تلاش کرده است از طریق برجسته‌سازی الگوهای موجود، مقاومت و توانمندی تولید کند. برای مثال،

فتح خرمشهر به الگوی حزب الله لبنان برای مقابله با رژیم صهیونیستی در جنگ 33 روزه و پیروزی حزب الله به الگوی تونس‌ها برای سرنگونی دیکتاتوری بن علی تبدیل شد. در شرایطی که نمونه‌ها و الگوهای ملی محدودیت‌هایی برای تسری به سایر ملت‌ها و کشورها دارند، هنر دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران، تبدیل کردن تجربه‌های ملی به الگوهای فراملی بوده است. در واقع دیپلماسی نهضتی ایران، الگوهای درون‌مرزی را به الگوهای فرامرزی تبدیل کرده است؛ به نحوی که مردم کشورهای مختلف با تأثیرپذیری و الگوگیری از چنین رویدادهایی، دست به اقدامات عملی بزرگی می‌زنند و اهداف خود را به رغم وجود دولت‌های سرکوبگر و حامیان خارجی آنها پیش می‌برند.

2. ترویج ازخودگذشتگی و شهادت‌طلبی: بنابر آموزه‌های اسلامی، انسان مسلمان باید برای بهبود وضعیت امت، ازخودگذشتگی نشان دهد. این ازخودگذشتگی همان ایثار است که بازخوردهای آن در یک چرخه اجتماعی به خود فرد بازمی‌گردد. روحیه ایثار و شهادت‌طلبی یکی از ارزش‌های سیاسی و اعتقادی مسلمانان به خصوص شیعیان است که با نام امام حسین (ع) در فرهنگ سیاسی تشیع آمیخته شده است؛ چنان‌که شیعیان لقب «سیدالشهداء» را برای ایشان از هر کس دیگری مناسب‌تر می‌دانند. شهید با ایثار قطرات خورش در پیکر جامعه، خون گرم و زنده‌ای را به جریان می‌اندازد و راه خدا را باز می‌کند و سدها و موانع را برمی‌دارد (عمید زنجانی، 1371: 6). بر این اساس دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران از طریق تبلیغ و اشاعه فرهنگ ازخودگذشتگی و شهادت‌طلبی، آرمان‌های دوردست نهضت‌ها و جریان‌های مختلف را به امری دست‌یافتنی تبدیل کرده است. در این بین فضای معنوی که به واسطه حضور شهدا و مراسم تشییع و خاکسپاری آنها به وجود می‌آید، موجب افزایش اقدام و احساس مسئولیت در قبال خون شهدا شده است. این فضا باعث حرکت‌آفرینی و راه‌حلی برای خروج از بن‌بست‌ها و همچنین شکست‌ناپذیری نهضت‌ها شده



است. بنابراین دیپلماسی نهضتی توانسته به واسطه فرهنگ شهادت طلبی و فضای معنوی که شهدا به وجود می‌آورند، رویکردی کارآمد برای حل مشکلات و ایجاد توانمندسازی و تداوم مقاومت ملت‌ها و نهضت‌ها بسازد.

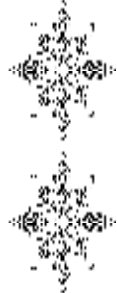
3. حرکت هدفمند: دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران حرکتی هدفمند برای توانمندسازی گروه‌ها، نهضت‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها محسوب می‌شود که به واسطه شرایط زمانی و مکانی می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند. برای مثال دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران موفق شد حزب‌الله را از یک سازمان کوچک به واسطه حرکتی هدفمند به یک قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار تبدیل کند. این امر در مورد انصارالله یمن نیز مصداق دارد. هنگامی که سلول‌ها و هسته‌های کوچک محفل «شباب قرآن» در یمن ایجاد شد، کمتر کسی تصور می‌کرد که این حرکت به انقلابی بزرگ در این کشور و بعد هم به مقاومت در برابر تجاوز خارجی سعودی‌ها مبدل شود. با این حال دیپلماسی نهضتی نشان داد که از طریق بنیان‌سازی و شبکه‌سازی‌های کوچک می‌تواند حرکتی هدفمند را سامان دهد و به موفقیت نیز دست یابد. در واقع دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران با ایجاد علاقه در سطوح زیرین جامعه، انگیزش نهضتی ایجاد می‌کند. در گذر زمان این انگیزش نهضتی، شکل و سازماندهی می‌یابد و به یک نهاد تبدیل می‌شود. این نهاد به مرور دارای بازوهای اطلاعاتی و ارتباطی می‌شود و توان حفاظت و صیانت از خود را می‌یابد. در چنین شرایطی، نهضت ایجادشده کاملاً توانمند است و می‌تواند در راستای اهداف خود گام بردارد. این روند نشان می‌دهد که دیپلماسی نهضتی، حرکتی هدفمند است و توان شکل‌دهی، بنیان‌سازی و توانمندسازی را در خود نهفته دارد.

4. خودکفاسازی: دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران برای توانمندسازی جریان‌ها و نهضت‌های مختلف تلاش می‌کند آنها را در ابعاد گوناگون خودکفا کند. در واقع دیپلماسی نهضتی، جنبش‌ها را به لحاظ اداره درونی خودکفا می‌کند

تا در شرایط دشوار بتوانند مستقلاً عمل کنند. به عبارت دیگر اگر یک جنبش یا نهضت در محاصره قرار گرفت و ارتباطش با نهضت مادر قطع شد، بتواند به حیات و مقاومت خود ادامه دهد. نمونه واضح چنین امری مقاومت و ایستادگی انصارالله یمن است که به رغم محاصره خارجی و قطع ارتباط با نهضت مادر (جمهوری اسلامی ایران) توانست بیش از یک سال در برابر شدیدترین حملات خارجی به رفع نیازهای اقتصادی، درمانی، جنگی و... خود بپردازد.

5. ایجاد شبکه ارتباطی و اطلاعاتی: دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران از طرق مختلف تلاش می‌کند برای توانمندسازی نهضت‌ها، آنها را از لحاظ ارتباطی و اطلاعاتی مستقل کند. بر این اساس دیپلماسی نهضتی بر توسعه شبکه‌های ارتباطی نظیر مخابرات و استفاده از تکنولوژی‌های جدید تأکید می‌کند تا نهضت‌ها را از لحاظ اطلاعاتی مصون کند. برای مثال، حزب‌الله لبنان در جنگ 33 روزه توانست پیروز میدان نبرد اطلاعاتی در مواجهه با دستگاه‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و کشورهای غربی باشد. بنابراین آموزش سطوح مختلف ارتباطی و اطلاعاتی یکی از کارویژه‌های دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران است که به واسطه آن نهضت‌ها می‌توانند در مقابل تهدیدهای امنیتی توانمند شوند و مصون بمانند (زارعی، 1394).

6. توجه به رویکرد استراتژیک: به رغم آنکه دیپلماسی نهضتی باید به جزئیات تحولات پیرامون خود با دقت بنگرد، توجه به جزئیات نباید باعث غفلت از کلیات امور شود. در واقع لازم است دیپلماسی نهضتی رویکردی کلان به مسائل مختلف داشته باشد و بهره‌مندی از روش‌های تاکتیکی را در چارچوب راهبردی درازمدت در دستور کار قرار دهد. بر این اساس دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران در طول سال‌های گذشته، در تمام سطوح توجه جدی به موقعیت‌های استراتژیک داشته است. در واقع دیپلماسی نهضتی اعتقاد دارد که جنبش‌ها و نهضت‌ها باید بتوانند در موقعیت‌های استراتژیک جای گیرند تا ضمن



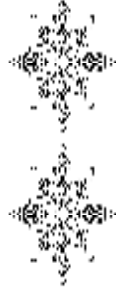
توانمند شدن، میزان مقاومت آنها نیز افزایش یابد. در حالی که در ارتش‌های کلاسیک، گرفتن سرزمین یک اصل اساسی محسوب می‌شود، دیپلماسی نهضتی آموزش می‌دهد که چگونه و کجا باید مستقر شد که ارزش استراتژیک داشته باشد. همچنین دیپلماسی نهضتی آموزش می‌دهد که چگونه باید از تاکتیک‌های مختلف در راستای دستیابی به موقعیت استراتژیک استفاده کرد.

7. **جبهه‌سازی:** دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران در طول سال‌های گذشته، موفق شده است ضمن توانمندسازی نهضت‌ها، جنبش‌ها، ملت و دولت‌های مختلف، آنها را در یک جبهه همسو ساماندهی کند؛ به نحوی که در حال حاضر جبهه مقاومت به عنوان ثمره و محصول دیپلماسی نهضتی از ظرفیت‌های درخور توجهی در سطوح منطقه‌ای و جهانی برای تأثیرگذاری بر رویدادها و روندها برخوردار است.

4. نتایج دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران

دیپلماسی نهضتی برای جمهوری اسلامی ایران، بهترین نوع دیپلماسی است که نه تنها می‌تواند بسیاری از مشکلات را رفع کند، بلکه توان تأثیرگذاری و ظرفیت‌سازی منطقه‌ای و جهانی هم دارد؛ چنان که دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران، نقش مؤثری در برجسته‌سازی و توانمندسازی جنبش‌ها و نهضت‌های محلی و ملی با مسائل منطقه‌ای و جهانی داشته است. برای مثال دیپلماسی نهضتی موفق شد حزب‌الله لبنان را از یک جنبش و گروه محلی به نهضتی تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و حتی جهانی تبدیل کند؛ به نحوی که حزب‌الله توانست تمام معادلات امریکا و رژیم صهیونیستی را در منطقه خاورمیانه برهم بزند و مسیر جدیدی برای ملت‌های عربی که همواره طعم استعمار، مداخله خارجی و تجاوز را چشیده بودند، ایجاد کند.

علاوه بر این دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران توانسته در مواقع



مختلف به کمک دولت‌های منطقه بشتابد. برای مثال، هنگامی که دولت‌های سوریه و عراق به واسطه گسترش افراط‌گرایی و تروریسم در معرض خطر قرار گرفتند، دیپلماسی نهضتی به حمایت از آنها وارد شد و توانست آسیب‌پذیری این دولت‌ها را کاهش دهد. در واقع دیپلماسی نهضتی به کمک دولت‌های منطقه شتافت و ضمن بهره‌مندی از امکانات این دولت‌ها، به واسطه توانایی‌های خود توانست تهدیدهای مشترک را از میان بردارد.

با توجه به دستاوردهای مذکور، از مهم‌ترین آثار و پیامدهای دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. گسترش گفتمان انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در جهان اسلام؛
2. عمق‌بخشی به قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سراسر جهان اسلام؛
3. توسعه مرزهای عقیدتی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران به جغرافیایی فراتر از مرزهای ترسیم‌شده؛
4. ارتقای توان بازیگری و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در مقابل رقبای منطقه‌ای؛
5. به چالش کشیده شدن منافع ایالات متحده آمریکا به عنوان قدرت مدعی هژمونی جهانی.

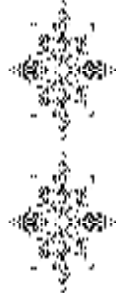
در مجموع دیپلماسی نهضتی به عنوان ابزاری اجتناب‌ناپذیر برای پیشبرد مقاصد نهضتی و همچنین تأمین منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه است. به همین دلیل با آنکه وزارت خارجه به عنوان اصلی‌ترین مسئول توسعه و حفظ روابط دیپلماتیک شناخته می‌شود، دیپلماسی نهضتی نیز می‌تواند در بسیاری موارد راهگشای چالش‌ها باشد. در واقع دیپلماسی نهضتی می‌تواند بر سطح و گستره روابط خارجی بیفزاید. از این رو مهم‌ترین کارکرد دیپلماسی نهضتی برای ارتقای امنیت ملی ایران، افزایش توان قدرت نرم جمهوری اسلامی بین قشرهای مختلف مردم و تأثیرگذاری بر افکار نهضتی ملت‌هاست. بر این

اساس تسری ارتباطات نهضتی به سمت کشورهای آسیایی، آفریقایی، اروپایی و آمریکایی می‌تواند بر قدرت تأثیرگذاری آن بیفزاید.

از این رو در حال حاضر یکی از روش‌های تقویت عمق استراتژیک خارجی، حداکثرسازی بهره‌وری از ظرفیت بالای دیپلماسی نهضتی در دو سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است؛ زیرا «توسعه همکاری‌های نهضتی» می‌تواند بستر افزایش رابطه با نهضت‌ها را در کشورهای منطقه به ویژه کشورهای اسلامی و همسایه فراهم کند. در واقع دیپلماسی نهضتی می‌تواند ظرفیت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران را برای حل و فصل مسائل منطقه‌ای افزایش دهد. همچنین دیپلماسی نهضتی به عنوان یک دیپلماسی روان و قابل دسترس و تسهیل‌کننده در سطح ملت‌ها و دولت‌ها می‌تواند در پیشبرد منافع ملی کشور و کاهش هزینه‌های اقدامات دولت در برخی حوزه‌ها مؤثر باشد و قدرت چانه‌زنی کشور را در مسائل مختلف تقویت کند؛ چنان که تجربه سال‌های گذشته سیاست خارجی ایران نشان داده است، هرگاه در سیاست‌های منطقه‌ای، تلاش‌های وزارت امور خارجه با مشکل مواجه شده، دیپلماسی نهضتی تا حد زیادی مشکلات را برطرف کرده است. نمونه چنین امری را می‌توان در لبنان، فلسطین، عراق، سوریه، افغانستان، یمن و سایر کشورهای منطقه مشاهده کرد. از این رو سایر نهادهای مرتبط با روابط خارجی باید با این نیرو به همکاری بپردازند. در واقع برای ایجاد یک دیپلماسی نهضتی مؤثر، باید همه ظرفیت‌ها در محیط ملی به مجری این دیپلماسی کمک کنند.

نتیجه‌گیری

بررسی مفهوم، ماهیت، ریشه‌ها و بنیان‌های دیپلماسی نهضتی بیانگر نوع جدیدی از دیپلماسی است که دارای ابعاد و زوایای مختلفی است و می‌تواند در آینده، معادلات منطقه‌ای و جهانی را در نظام بین‌الملل تحت تأثیر قرار دهد. بر این



اساس می‌توان گزاره‌های زیر را به عنوان مهم‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های دیپلماسی نهضتی در عرصه‌های نظری و عملی برشمرد:

1. دیپلماسی نهضتی مفهومی در قالب قدرت ملی است و در خلأ عمل نمی‌کند، بلکه می‌توان زمینه‌های آن را در قالب سیاست بین‌الملل مشاهده کرد؛ به نحوی که می‌توان عرصه‌های تأثیرگذاری دیپلماسی نهضتی را در سطوح مردمی، دولتی، منطقه‌ای و جهانی مشاهده کرد.

2. دیپلماسی نهضتی با هدف و آرمان یک کشور سر و کار دارد؛ هدف و آرمانی که در استراتژی کلان ملی نهفته است.

3. دیپلماسی نهضتی در حد اعلامی خود مقوله‌ای راهبردی است که ابعاد پیچیده و فراگیر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی دارد. در واقع دیپلماسی نهضتی، ترکیبی از فعالیت‌های سیاسی، نظامی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی است و به همین دلیل، تمام جوانب این دیپلماسی باید دارای ابعاد راهبردی باشد.

4. دیپلماسی نهضتی بخشی از قدرت است که در کنار دستگاه سیاست خارجی، ظرفیت‌های کشور را در عرصه‌های گوناگون ارتقا می‌دهد. در واقع مزیت دیپلماسی نهضتی آن است که دقیقاً در چارچوب منافع و اهداف ملی و سیاست خارجی عمل می‌کند و می‌تواند با خصوصیت هم‌تکمیلی خود، چرخه روابط خارجی را تکمیل کند. بنابراین اگر دیپلماسی رسمی به گونه‌ای باشد که اهداف نهضتی نیز در آن دیده شود، دیپلماسی نهضتی پشتیبان آن اهداف خواهد بود. بر این اساس با استفاده از دیپلماسی نهضتی می‌توان هم در قلوب ملت‌ها و هم در اراده تصمیم‌گیران کشورها نفوذ و منافع ملی را به تحقق هر چه بیشتر نزدیک کرد.

5. آنچه باعث پیشبرد دیپلماسی نهضتی می‌شود، با سایر دیپلماسی‌ها متفاوت است. در واقع این شیوه از دیپلماسی دارای موازین و اصولی کاملاً مغایر با دیگر

دیپلماسی‌ها است؛ زیرا در دیپلماسی نهضتی علاوه بر ارتباط با دولت‌ها، با متن جامعه نیز ارتباط مستقیمی برقرار و شیوه‌های جدیدی از رابطه ایجاد می‌شود.

6. در دیپلماسی نهضتی باید از اعمال سلیقه شخصی به شدت اجتناب کرد. تمام تصمیم‌ها باید از اتاق فکر منسجم و دارای طرح و برنامه بیرون بیاید. بدین منظور ضروری است اتاق‌های فکر با حضور کارشناسان نظری، دیپلمات‌های با تجربه و عناصر نهضتی تشکیل شوند و به صورت مداوم، داده‌ها و اطلاعات را از میدان عمل استخراج و تجزیه و تحلیل کنند. در نهایت نیز تحلیل‌های صورت‌گرفته در این اتاق‌های فکر به صورت یک راهبرد کلی شامل خط‌مشی، ابزارها و روش‌ها به مجریان پیشنهاد شود. همچنین لازم است پس از اجرای این راهبردها، کاستی‌ها و نواقص آنها مجدداً توسط کارشناسان برطرف شود.

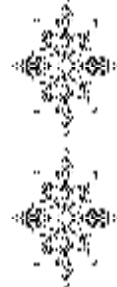
7. با توجه به آنکه دیپلماسی نهضتی فاقد چارچوب تئوریک و از پیش تعیین‌شده توسط سایر کشورهاست، چنانچه در داخل ایران به آن توجه کافی شود، می‌تواند به عنوان الگویی نوین از دیپلماسی بومی به سراسر جهان گسترش یابد.

نکته پایانی آنکه تاکنون پژوهش مکتوبی درباره دیپلماسی نهضتی صورت نگرفته و مقاله حاضر، نخستین کوشش برای مفهوم‌پردازی و ادبیات‌سازی با این موضوع بوده است. از این رو نویسنده ادعایی درباره تعاریف و مباحث ارائه‌شده ندارد و مشخص است جبران کاستی‌ها و تکمیل مباحث و تعاریف در این مقاله نیازمند تلاش سایر محققان و کارشناسان است.

منابع و مأخذ

- افتخاری، اصغر (1389)، «صلح و امنیت بین‌الملل؛ رویکردی اسلامی»، در کتاب: حسین پور احمدی، اسلام و روابط بین‌الملل؛ چارچوب‌های نظری، موضوعی و تحلیلی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- بیات، محمود (1385)، دیپلماسی دیجیتال: پژوهشی در تحولات دیپلماسی معاصر، تهران: انتشارات



- وزارت امور خارجه.
- داستانی بیرکی، علی (1387)، *جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- سجادی، عبدالقیوم (1383)، *دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شارپ، پائول (1389)، «دولت‌های انقلابی، رژیم‌های یاغی و تکنیک‌های دیپلماسی عمومی»، در کتاب: ژان میلسن، *دیپلماسی عمومی نوین؛ کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل*، ترجمه رضا کلهر و محسن روحانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- صدیقی، کلیم (1375)، *مسائل نهضت‌های اسلامی*، ترجمه‌های خسروشاهی، تهران: اطلاعات.
- عسگرخانی، ابو محمد (1383)، *رژیم‌های بین‌المللی*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عسگری، محمود و احمد آقاجانی (1390)، «عوامل شکل‌دهنده و ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران»، در *فصلنامه نامه دفاع: عسگری، محمود، فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران*، ش 3، شماره پیاپی 26، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (1371)، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران: نشر کتاب سیاسی.
- مورگنتا، هانس جی (1379)، *سیاست میان ملت‌ها*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، ج 2، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
- زارعی، سعدالله، (1394)، *مبانی و دستاوردهای دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، 22 دی.
- میلسن، ژان (1389)، «دیپلماسی عمومی: از تئوری تا عمل»، در کتاب: ژان میلسن، *دیپلماسی عمومی نوین؛ کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل*، ترجمه رضا کلهر و محسن روحانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- هالستی، کی جی (1373)، *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- قادری کنگاوری، روح‌الله (1394)، *نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل*، تهران: نشر مخاطب.